

# شریعت، عرف و عقلانیت

مجموعه مقالات

محمد تقی فاضل میبدی

www.ketab.ir



انتشارات هرمس



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، بعد از برج نگار، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴  
مجموعه ادب فکر - دین ۱۲

شریعت، عرف و عقلانیت  
محمدتقی فاضل میبدی  
طرح جلد: واحد گرافیک هرمس  
چاپ اول: ۱۳۹۴  
تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه  
چاپ: رسام  
همه حقوق محفوظ است.

سرسنانه:	فاضل میبدی، محمدتقی، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدیدآور:	شریعت، عرف و عقلانیت، مجموعه مقالات / محمدتقی فاضل میبدی
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۲۴۸ ص.
فروست:	مجموعه ادب فکر - دین ۱۲
شابک:	978-964-363-903-7
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	اجتهاد و تقلید - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع:	فقه - بررسی و شناخت - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع:	اسلام - تجدید حیات فکری - مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع:	اسلام - قرن ۲۱ م. - مقاله‌ها و خطابه‌ها
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ ش ۴ / ف ۱۶۷ / PB
رده‌بندی دیویی:	۲۹۷ / ۳۱
شماره کتابشناسی ملی:	۳۵۲۱۹۹۶

## فهرست

۱	پیشگفتار
۵	انسان، ادیان، ارتداد
۲۵	ذبیحة اهل کتاب
۴۹	سیره صلح‌جویانه پیامبر (ص)
۶۵	شریعت، اجتهاد، و عقلانیت
۱۱۳	فلسفه وجودی ماههای حرام و...
۱۲۱	رابطه دین و عرف
۱۴۵	عقل دینی و عقل فلسفی
۱۶۹	تعامل فقها با پناهای عقلایی در جهان امروز
۱۸۵	جایگاه زن در ادای شهادت از منظر فقه اسلامی
۲۰۳	نگاه اصلاحی به حقوق زنان
۲۱۵	واژه‌های «رجل» و «رجال سیاسی» در روایات، فقه، و قانون
۲۲۵	آیت‌الله طالقانی اسلام را در ظرف زمان می‌دید
۲۴۳	کتابنامه

## پیشگفتار

در دنیایی زندگی می‌کنیم که در آن مفاهیم تازه‌ای چون حقوق بشر، آزادیهای سیاسی، دموکراسی، حقوق مدنی، فلسفه‌های مضاف از قبیل فلسفه دین و فلسفه اخلاق، و مفاهیم دیگری در عرصه‌های علوم انسانی روییده و همواره رو به بالندگی است. سخن گفتن از منشأ دین، تجربه دینی، زبان دین، پلورالیسم دینی، مسائل ذاتی و عَرَضی دین و امثال آن در گذشته به مانند امروز مطرح نبوده و در دانش کلام یا دین‌شناسی جایی نداشته است. انسان دیندار عصر امروز که با این مفاهیم نو مواجه می‌شود، در بادی امر پاره‌ای از آنها را با باورهای دینی خود در تضاد می‌بیند و نمی‌داند از این باورها دست بشوید یا این مفاهیم مدرن را نامشروع و ناسازگار با یافته‌های کلامی و فقهی قلمداد نمایید؟ هنوز این مسئله برای دین‌اندیشان متجدد و نوگرا به نحو کامل حل نشده و همچنان عالمان حوزه‌های علوم دینی را به چالش می‌کشد. در میان نفی یکی از این دو راه و اثبات دیگری، راه سومی که دینداران نواندیش دنبال می‌کنند تجدید نظر و یا بازنگری و بازسازی در مبانی کلامی و فقهی است که از گذشته به دست ما رسیده است. حتی اگر تمامی مفاهیم مدرن را نادرست و در تضاد با دین بدانیم و حقوق بشر، دموکراسی، انتخابات، احزاب، حقوق زنان و... را زائیده اندیشه ملحدانه و یا اومانستی بدانیم، نباید بر معتقدات گذشته خود که زائیده اندیشه متکلمان و فقهاست پای بفشاریم و هر راهی را برای بازنگری بر خود ببندیم، و دلیلمان این باشد که این اندیشه‌ها عین دین است و قداست و جزمیت آن تغییرناپذیر است و باید آنها را پذیرفت. بدیهی است که اگر این جزمیت را دنبال نماییم مشکل دینداری نسل امروز در مواجهه با این مفاهیم مدرن حل نمی‌شود و خیلی از پرسشها بی‌پاسخ می‌ماند و حوزه ناپاوری گسترده‌تر می‌شود.

یک قرن پیش، مرحوم اقبال لاهوری می‌گفت اندیشهٔ اسلامی پانصد سال است که دچار رکود است، باب اجتهاد که ریشه در اندیشهٔ اصیل دینی دارد بسته شده است و این خود باعث رکود اندیشه در جوامع اسلامی شده است. مرحوم شهید مطهری دو خطر جمود و جهالت را مانع توسعهٔ اسلام می‌دانست و پیشنهاد می‌کرد فکر دینی ما باید از بدعتها، خرافات، و تحریفها اصلاح شود و اصول و مبانی مذهبی به صورت صحیح و واقعی خود به افراد تعلیم و القا شود. کسانی چون مطهری و اقبال بر این نظر بودند که می‌توان با بازنگری و اجتهاد در اصول و با حفظ سنتها و مبانی دینی با مدرنیته در خیلی از مفاهیم انسانی کنار آمد، چراکه هم معارف اسلامی موجود و هم مدرنیته، هر دو، قابل نقد است. این بزرگواران نمی‌گفتند در دین اجتهادی صورت نگرفته است، بلکه بر این باور بودند که اجتهادها پس از دوران نوگرایی متناسب با زمان نبوده و در مقام پاسخ به شبهات بر نیامده است.

اجتهاداتی که در گذشته صورت گرفته و اکنون نیز ادامه دارد، هم از جهت معرفت‌شناسانه و هم از نگاه هرمنوتیکی، قابل نقدهای جدی است. اینکه فهم فقیهان و متکلمان را عین دیانت بدانیم و آن را قدسی تلقی کنیم و جایی برای چون و چرا نگذاریم، ادعای پذیرفته‌ای نیست. شک نیست که غالب فقیهان در گذشته با یک سلسله پیش‌فرضهای جزمی و قطعی و شرایط تاریخی و جغرافیایی خاص سراغ کتاب و سنت رفته‌اند، و آنچه را که فهمیده‌اند حقیقت شمرده‌اند. بنابراین یکی از مباحث مهمی که در کنار فقه طرح آن ضروری است، بحث تاریخ فقه و در کنار آن بحث فلسفهٔ فقه است. فقیه امروزی باید تاریخ فقه را بداند و در اجتهاد خود فلسفهٔ فقه را مدنظر داشته باشد. از امتیازات آیت‌الله بروجردی این بود که فقه را با زمینه‌هایی که در آن شکل گرفته بود به بحث می‌گذاشت و از زوایای تاریخی آن غافل نمی‌ماند. برخی از گذشتگان چون ابو حامد غزالی (متوفای ۵۰۵ هـ)، فخرالدین رازی (متوفای ۶۰۶ هـ)، و شاطبی (متوفای ۷۹۰ هـ) و کسان دیگر بحث اهداف فقه و مقاصد پنجگانه یا ششگانهٔ شریعت را به میان کشیده‌اند و آن را در حوزهٔ اجتهاد دخالت داده‌اند. اما چنین کاری در حوزهٔ فقه شیعی رونق نیافته است. نکتهٔ دیگر این است که دستگاه فقهی و کلامی ما بیشتر بر

نصوص استوار شده و عقل، هرچند، از منابع اجتهاد به شمار می‌آمده ولی در عمل جز برای فهم نص کاربردی نداشته است. عالمان شیعی همانند معتزله احکام را تابع مصالح و مفاسد می‌شمارند و بعضی از آنان این مصالح و مفاسد در بخش امور غیرعبادی را قابل کشف می‌دانند، با این حال پاره‌ای از احکام، به ویژه در زمینه کیفری، در این روزگار تابع مصالح و مفاسد عقلانی نیست و با استدلال بر نصوص اجرا می‌شود. بر فرض که مفاسد و مصالح را مبنای احکام بدانیم، روشن نیست که چه کسی باید مصالح و مفاسد را تعیین کند. آیا فقیه خود این کار را عهده‌دار است و یا شورای فقهاتی و یا شورای کارشناسی در هر بخش این کار را عهده‌دار می‌شود؟ در هر صورت تعیین مصالح و مفاسد در امور اجتماعی از تشخیص فرد خارج است و این از مزایای نواندیشی در عرصه اجتهاد در فروع است که فقیهان باید اجتهاد فردی را کنار بگذارند و افکار خارج از حوزه را به سرفرازی اجتهاد دعوت نمایند. در این روزگار اظهار رأی پیرامون مسائلی که به اقتصاد مربوط می‌شود، و یا صدور فتاوایی که به مجازاتها برمی‌گردد، بدون کارشناسان مسائل اقتصادی و حقوقی و جرم‌شناسی میسر نیست. همچنین اگر روزگاری بحث اهل ذمه مطرح بود و غیرمسلمانان صاحب کتاب چون نصرانی‌ها و یهودی‌ها و مجوسی‌ها برای زندگی در کشور اسلامی باید عقد ذمه می‌بستند، امروز در تمام کشورها - مسلمان و غیرمسلمان - تنها مسئله شهروند بودن مطرح است و در کشورهای مسلمان مرزی برای مسلمان و غیرمسلمان مطرح نیست. در حوزه مسائل مربوط به زنان نیز چنین است. پاره‌ای از تکالیف و مسائلی که در گذشته مطرح بود در این زمان باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. انحصار حق طلاق و یا حق قضاوت برای مردان و یا محروم بودن زنان از پاره‌ای شهادت بر اساس فتاوی پیشین، در این روزگار قابل اجرا نیست. بدیهی است که حوزه‌های علوم دینی در مواجهه با این مسائل نمی‌توانند به شیوه گذشته پاسخگو باشند.

کتابی که پیش روی خوانندگان است حاوی مقالاتی است که به پاره‌ای از دغدغه‌های فوق می‌پردازد و سعی کرده است با موازین کلامی و فقهی و روشهای عقلایی برخی از مسائل را به بوتۀ نقد بگذارد. هرچند احیاء اندیشه دینی و بازنگری در احکام را به چند مسئله نمی‌توان محدود کرد، اما پیمودن این راه،

هرچند یک گام، می‌تواند گره‌گشا باشد. بر این باورم که شریعت اسلامی، با عنایت به عرف عقلا و دعوت به تعقل و حفظ مصالح و قوه محرکه اجتهاد، می‌تواند در همه زمینه‌ها در این زمان نجات و سعادت بشر را تأمین نماید و از دستگاه حقوقی زمان پیشی بگیرد، مشروط بر این که از حالت، تنها، نص محوری خارج شود و عقل و عرف زمان را، و به تعبیر مرحوم امام خمینی (ره) زمان و مکان را، در اجتهاد دخالت دهد.

www.ketab.ir